

چشم انداز آمادگی دیوان جزایی بین‌المللی برای شروع تحقیقات مقدماتی در مورد جرائم بین‌المللی در افغانستان

محمد عیسی حسن یار قاضی زاده (ورسی)*

چکیده

دیوان جزایی بین‌المللی برای این هدف ایجاد گردید که مرتکبین جرائم بین‌المللی بدون کیفر و مجازات باقی نمانند. هم‌چنین به مصونیت سران کشورها در صورت ارتکاب جرائم بین‌المللی نیز خاتمه داده شود که این موضوع در ماده ۲۷ اساس‌نامه رم به صراحت بیان شده است. نحوه ارجاع‌دهی قضایا به دیوان از طریق‌های مختلف صورت می‌گیرد. یکی از آن طرق، ارجاع توسط دادستان است. دادستان دیوان در مورد وضعیت پیش‌آمده در افغانستان بر اساس لزوم دید خویش، مجوز انجام تحقیقات مقدماتی را از شعبه پیش‌محاكمه (pre trial) درخواست کرد که بر اساس آن، مبنای معقول را برای تعقیب و پیگیری سه گروه از مرتکبین جرائم بین‌المللی ذکر کرد که قابل تعقیب و محاکمه توسط دیوان است. دیوان بر اساس درخواست دادستان، مجوز انجام تحقیقات صادر کرد و از دادستان خواست تا در زمینه پیش‌تر تحقیق کند.

*. ماستر حقوق جزا و جرم‌شناسی و وکیل مدافع.

چشم‌انداز و آینده آمادگی دیوان جزای بین‌الملل برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی در قلمرو افغانستان یک چشم‌انداز روشن و معلوم ندارد؛ بلکه با آینده نامعلوم و تاریک همراه است و هرازگاهی این احتمال وجود دارد که در این وضعیت پیش‌آمده، عدالت قربانی سیاست شود. در صورتی که دیوان فیصله خود را صادر هم کند، آیا این فیصله قابل اجرا خواهد بود یا خیر؟ به نظر می‌رسد که در این مورد کار دیوان دچار خلأ می‌شود و این فیصله در مورد تعداد زیادی از مرتکبین، از جمله نیروهای آمریکایی و مخالفین مسلح دولت افغانستان به‌خاطر عدم دسترسی به آن‌ها، قابل اجرا نخواهد بود.

در مجموع، کار دادستان و به تعقیب آن کار دیوان، قابل قدر است و یک نوع هراس و واهمه ایجاد می‌کند که جنبه پیش‌گیرانه دارد. سران کشورها و سایر مرتکبین جرائم بین‌المللی همین قدر که هراس داشته باشند که مبادا روزی توسط دیوان محاکمه و مجازات شوند، با دقت بیشتر و سنجیده‌تر عمل خواهند کرد. هم‌چنین، همین که اقدامات دیوان تنها در روی کاغذ هم باقی بماند، راه را برای اجرای عدالت در افغانستان یک قدم نزدیک‌تر کرده است.

واژگان کلیدی: درخواست دادستان، دیوان جزایی بین‌المللی، تحقیقات مقدماتی، چشم‌انداز دیوان، وضعیت افغانستان و جرائم بین‌المللی.

مقدمه

از مهم‌ترین هدف تشکیل دیوان جزایی بین‌الملل، جلوگیری از بی‌کیفرمانی مجرمین است که بنا به هر دلیلی، از تعقیب عدلی و قضایی در کشور متبوع‌شان بازمانده‌اند. درباره ایجاد و تشکیل دیوان جزایی بین‌المللی بعد از سال‌ها بحث و رایزنی، بالاخره در سال ۱۹۹۸ اساس‌نامه آن به تأیید ۱۲۰ کشور از ۱۶۰ کشور اشتراک‌کننده در کنفرانس رم رسید. دیوان جزایی بین‌الملل برای این ایجاد گردید که به جرائم مهم بین‌المللی که وجدان و خاطر همه بشریت را آزار می‌دهند، رسیدگی صورت گیرد تا این‌که عدالت بازرفته دوباره اعاده شود.

از بدو تأسیس دیوان جزایی بین‌الملل تا اکنون، عمده قضایایی که در دیوان مورد رسیدگی قرار گرفته است، مربوط به قاره آفریقا می‌شود. از این جهت است که بعضاً دیوان را از ICC به ACC

تغییر نام داده‌اند. قضیه پیشروی دیوان در مسئله افغانستان یک قضیه مهم و حیاتی برای دیوان است؛ زیرا از یک سو تمرکز دیوان از قاره آفریقا فراتر می‌رود و وارد قاره آسیا نیز می‌شود و از سوی دیگر، قضیه افغانستان به دلیل پیچیدگی‌های خاصی که دارد، رسیدگی به آن برای دیوان حائز اهمیت است. در ۲۰ نوامبر سال ۲۰۱۷، دادستان دیوان مطابق فقره سوم ماده ۱۵ اساس‌نامه رم از شعبه پیش‌محاكمه (pre trial) برای انجام تحقیقات جرائم شامل در صلاحیت موضوعی دیوان در حوزه جغرافیای افغانستان که از ماه می سال ۲۰۰۳ بدین سو در افغانستان واقع شده است، درخواست انجام تحقیق کرد. از آن جا که از ماه می سال ۲۰۰۳ تا حالا جنایات‌های متعددی در افغانستان صورت گرفته و هم‌چنین بر اثر مخاصمات مسلحانه داخلی، تعداد زیادی از مردم ملکی و بی‌دفاع را قربانی کرده‌اند که عاملین این نوع جنایات نیز معلوم و مشخص است؛ اما محاکم داخلی افغانستان توانایی محاکمه و مجازات عاملین این جنایت را ندارند؛ لذا از این جهت است که صلاحیت دیوان جزایی بین‌الملل در امر محاکمه و مجازات مجرمین جنایات ضد بشری در افغانستان حائز اهمیت است تا این که از بی‌کیفرمانی مجرمین جلوگیری شود.

۱. تشکیل محکمه جزای بین‌الملل

در ۹ دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را مؤظف به تهیه پیش‌نویس اساس‌نامه برای تشکیل محکمه جزایی بین‌المللی کرد. بعد از ۵۰ سال سکوت، بالاخره در ۱۷ جنوری ۱۹۹۸، با تأیید ۱۲۰ کشور از ۱۶۰ کشور اشتراک‌کننده در کنفرانس رم رسید. اساس‌نامه مذکور دارای ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده است که در ۱۱ آپریل ۲۰۰۲، بعد از الحاق شصتمین کشور از اول جولای ۲۰۰۲ برای کشورهای عضو لازم‌الاجرا گردید. دیوان جزایی بین‌الملل اولین نهادی است که به‌خاطر حفظ ارزش‌های موجود در نظام جامعه بین‌الملل به مجازات متخلفین از حقوق بین‌الملل می‌پردازد و نهادی در جهت حمایت از مصالح و منافع کشور یا افرادی خواهد بود که مورد تجاوز مجرمین بین‌المللی قرار گرفته‌اند (ابراهیمی، بی‌تا: ۱۷۵). هدف از تشکیل محکمه، رسیدگی به جنایات مهم و شدید و هم‌چنین برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی مجرمین و پایان دادن به فرهنگ مصونیت سران دولت‌ها است.

اندیشه اجرای عدالت از دیرزمان مورد نظر دیوان بوده است. در حقیقت، تشکیل دیوان به مصونیت سران دولت‌ها نقطه پایان بخشید که این امر در قضیه عمرالبشیر، رئیس جمهور سودان،

به وضاحت قابل بررسی و مطالعه است. محاکمه و مجازات عمرالبشیر یک نوع تابو برای جامعه بین‌المللی درست شده بود که با مجازات‌کردن وی این تابو شکسته شد. کشورهایی که مایل یا قادر به اجرای عدالت و محاکمه و مجازات جنایت‌کاران در سرزمین‌شان نباشند، وظیفه دیوان است که باید به آن موارد رسیدگی کند.

با وجود این‌که دولت‌های ذینفع، طبق صلاحیت جهانی، می‌توانند که جنایت‌کاران بین‌المللی را در محاکم ملی‌شان تحت تعقیب و مجازات قرار دهند؛ اما این کافی نیست؛ زیرا بعضی از جرائم‌اند که هیچ دولتی در تعقیب کیفری آن ذینفع نباشد و یا به هر دلیلی نخواهد یا نتواند مجرم را تعقیب کند؛ در این صورت، بعضی از جرائم بدون کیفر باقی می‌ماند (سلیمی، ۱۳۷۶: ۷۸)؛ در این صورت، ضرورت ایجاد یک محکمه جزایی بین‌المللی احساس می‌شد تا از بی‌کیفرمانی مجرمین جلوگیری صورت گیرد که بالاخره این رؤیا تحقق یافت و محکمه جزایی بین‌الملل رسماً بعد از تأیید اساس‌نامه آن تشکیل شد.

۲. صلاحیت دیوان جزایی بین‌الملل

از نظر صلاحیت باید به چهار نوع صلاحیت در مورد دیوان اشاره کرد که عبارت است از: صلاحیت ذاتی یا موضوعی، صلاحیت زمانی، صلاحیت مکانی و صلاحیت شخصی.

۳. تعریف صلاحیت

صلاحیت عبارت است از: شایستگی و قابلیت اعمال قوانین جزایی یک کشور در رسیدگی به جرائمی که در داخل یا خارج از آن کشور ارتکاب می‌یابد (پوربافرانی، ۱۳۹۰: ۹). در مورد صلاحیت دیوان می‌توان صلاحیت را شایستگی و الزام محکمه برای رسیدن به یک پرونده دانست که بر اساس نوع جرم، مکان ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب جرم تعیین می‌شود (مهر و کارگری، ۱۳۹۰: ۱۸) یا این‌که صلاحیت (jurisdiction) قابلیت دادگاه جهت رسیدگی به دعوی مختلف از لحاظ عناصر زمانی، مکانی، نوع جرائم ارتکابی، وضعیت مرتکبان آن‌ها و نظایر آن‌ها است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۴۴).

۱-۳. صلاحیت زمانی

در مورد صلاحیت زمانی باید یک صلاحیت عام زمانی را و دیگر صلاحیت خاص زمانی در مورد افغانستان را در نظر گرفت. بر اساس ماده ۱۱ اساس‌نامه رم، دیوان زمانی صلاحیت رسیدگی را دارد که بعد از لازم‌الاجرا شدن اساس‌نامه به وقوع افتاده باشد. مطابق بند ۱ ماده ۱۲۶ اساس‌نامه، تاریخ لازم‌الاجرا شدن اساس‌نامه بعد از شصتمین روز از تاریخ تودیع شصتمین سند پذیرش، تصویب یا الحاق است؛ لذا دیوان به جرائمی رسیدگی می‌کند که بعد از اول ماه جون ۲۰۰۲ اتفاق افتاده باشد. در مورد افغانستان چون افغانستان در ۱۰ فبروری ۲۰۰۳ به دیوان ملحق شد، لذا اساس‌نامه دیوان بعد از اول می ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا گردید. در بند الف ماده ۲۴ اساس‌نامه عطف بامسابق نشدن مقررات اساس‌نامه نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.

۲-۳. صلاحیت موضوعی

منظور از صلاحیت موضوعی، نوع و ماهیت جرائمی است که دیوان جزایی بین‌المللی به موجب اساس‌نامه خود می‌تواند به آن‌ها رسیدگی کند (مهر و کارگری، ۱۳۹۰: ۱۹). جرائم موضوعی شامل اساس‌نامه در ماده ۵ بیان شده است که عبارت است از: جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، جرائم جنگی و تجاوز ارضی. دیوان جزایی بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به این چهار جرم را دارد. این دیوان، صلاحیت رسیدگی به سه جرم نسل‌کشی، جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت را از وقت لازم‌الاجرا شدن اساس‌نامه دازا شد؛ اما صلاحیت رسیدگی به جنایت تجاوز ارضی هرچند در کنفرانس کامپالا که در سال ۲۰۱۰ دایر شد، مطرح شد؛ ولی این صلاحیت به‌خاطر عدم تعریف درست از تجاوز ارضی در این کنفرانس، تا سال ۲۰۱۷ میلادی که کنفرانس کشورهای عضو دیوان در لاهه هالند برگزار شد، معطل ماند و بعد از این کنفرانس بود که این دیوان صلاحیت رسیدگی به جنایت تجاوز ارضی را پیدا کرد.

صلاحیت موضوعی که دیوان در مورد افغانستان در نظر گرفته است، دو جرم مشخص است که عبارت‌اند از: جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی. بیش‌تر پرونده‌هایی که باید در مورد وضعیت افغانستان بررسی و تحقیق شود، جرائم جنگی است که در مخاصمات مسلحانه داخلی به‌طور بسیار گسترده ارتکاب می‌یابد. در مخاصمات مسلحانه داخلی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو نقض می‌گردد و ماده ۳ کنوانسیون مشترک ژنیو اشخاص را مورد

حمایت قرار داده است که هیچ‌گونه شرکت فعالی در جنگ ندارند. هم‌چنین، افراد ملکی که در مخاصمات مسلحانه داخلی قربانی می‌شوند، همه مواردی است که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو و قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل نقض می‌شود.

۳-۳. صلاحیت مکانی

با توجه به بین‌المللی بودن محکمه جزایی بین‌الملل و به علاوه با توجه به این‌که محکمه سمبل اراده تمام کشورهای است که اساس‌نامه آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند، صلاحیت مکانی آن قلمرو تمامی کشورهای عضو را دربرمی‌گیرد (مهرا و کارگری، ۱۳۹۰: ۴۹). طبق ماده ۱۲ اساس‌نامه، دیوان صلاحیت رسیدگی به آن قضایی را دارد که در کشورهای عضو اساس‌نامه ارتکاب یافته باشد. استثنایی که خارج از کشورهای عضو در نظر گرفته شده، عبارت است از ارجاع شورای امنیت به اساس فصل هفت منشور، در مورد وقوع یک یا چند جرم که می‌توان صلاحیت مکانی دیوان را شامل تمامی کشورها دانست، نه فقط در قلمرو دولت‌های عضو دیوان (همان: ۵۰). افغانستان به تاریخ ۱۰ فبروری ۲۰۰۲ به اساس‌نامه دادگاه ملحق شده است، پس دیوان از نظر مکانی به جرائمی که در قلمرو افغانستان ارتکاب یافته است، صلاحیت رسیدگی دارد؛ مهم نیست که مرتکب تبعه افغانستان باشد یا نباشد؛ اما همین که جرم ارتكابی داخل در قلمرو افغانستان باشد، دیوان صلاحیت رسیدگی به جرائم ماده ۵ اساس‌نامه را دارد.

۴-۳. صلاحیت شخصی

دو نوع صلاحیت شخصی فعلاً مطرح است که عبارت‌اند از: فعالیت شخصی فعال یا مبتنی بر تابعیت مجرم و صلاحیت شخصی منفعل یا مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه. دولت‌ها بر اساس این‌که مجرم یا مجنی‌علیه تبعه آن کشور است، اعمال صلاحیت می‌کنند. اساس‌نامه دیوان، نوع اول صلاحیت (صلاحیت شخصی فعال) را پذیرفته است و به جرائم ارتكابی اتباع دولت عضو رسیدگی می‌کند. در قضیه افغانستان بر اساس صلاحیت شخصی فعال، به جرائم ارتكابی نیروهای امنیتی (پلیس ملی و امنیت ملی) رسیدگی می‌کند؛ البته در صلاحیت مکانی بهترین صلاحیت برای اعمال رسیدگی به جرائم ارتكابی در قلمرو افغانستان اعم از اتباع افغانستان و سایر گروه‌ها می‌باشد که دادستان دیوان در درخواست خود برای انجام تحقیقات سه گروه را مشخصاً ذکر کرده است که عبارت‌اند از: نیروهای مخالف دولت، نیروهای آمریکای و اعضای

۴. قابلیت پذیرش (admissibility)

منظور از قابلیت پذیرش این است که با وجود احراز صلاحیت دیوان و واجد بودن صلاحیت، این دیوان با چه شرایط و در چه مواردی می‌تواند رسیدگی کند. در بحث قابلیت پذیرش دیوان در رسیدگی به جرائم موضوع ماده ۵ اساس‌نامه رم، صلاحیت تکمیلی دارد؛ یعنی اول صلاحیت رسیدگی به آن جرائم از صلاحیت محاکم داخلی است؛ اما در صورتی که دیوان تشخیص دهد که محاکم داخلی قادر یا مایل به رسیدگی نباشد، در آن صورت دیوان حق رسیدگی به جرائم موضوع ماده ۵ اساس‌نامه رم را دارد. قابلیت پذیرش عبارت است از این‌که آیا موضوعی که دیوان نسبت به آن واجد صلاحیت است، باید نزد دیوان مطرح شود یا خیر؟ به عبارت دیگر، از نظر تقدم و تأخر احراز صلاحیت قبل از قابلیت پذیرش مورد توجه دیوان است؛ یعنی اول دیوان صلاحیت رسیدگی به جرائم بین‌المللی را دارا باشد، بعد قابلیت پذیرش مطرح است که چگونه با و چه معیار رسیدگی کند. از آن‌جا که هدف عمده تشکیل و ایجاد دیوان جزایی بین‌المللی مبارزه با بی‌کیفرمانی است و هم‌چنین خاتمه دادن به مصونیت سران کشورها که مرتکب جنایات بین‌المللی می‌گردد نیز می‌باشد؛ از این جهت که دولت افغانستان به دلیل قادر نبودن رسیدگی به جنایات واقع شده در قلمرو خودش موجب می‌شود قضایا قابل پذیرش نزد دیوان باشد.

صلاحیت تکمیلی به معنای تقدم صلاحیت محاکم ملی نیست؛ بلکه تقدم رسیدگی محاکم ملی است (شریعت باقری، ۱۳۸۸: ۵۹). صلاحیت تکمیلی به این معنا نیست که منتظر بنشیند که اول محاکم داخلی رسیدگی کنند و در صورتی که محاکم داخلی رسیدگی نکنند، دیوان به رسیدگی اقدام می‌کند؛ بلکه معنای صلاحیت تکمیلی که در ماده ۱۷ اساس‌نامه رم آمده است، این است که محاکم ملی اگر به موضوع رسیدگی کنند و تحقیق و تعقیب را علیه متهمین جرائم بین‌المللی شروع کرده باشند، در آن صورت دیوان از رسیدگی بازمی‌ماند؛ اما در صورتی که محاکم ملی هیچ اقدام به رسیدگی نکنند، در آن صورت دیوان از صلاحیت تکمیلی عبور کرده و وضعیت را برای خودش قابل پذیرش اعلام می‌کند و اقدام به انجام تحقیقات می‌کند.

در مورد افغانستان اولاً، که محاکم داخلی نه تمایل دارند و نه قادراند که به جرائم بین‌المللی رسیدگی کنند و ثانیاً، این‌که قوانین جزایی افغانستان جرائم بین‌المللی را جرم‌انگاری نکرده

بود تا این که صلاحیت برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی را دارا گردد. کد جزا در این اواخر که در ۲۵ دلو ۱۳۹۶ (۱۴ فروری ۲۰۱۸) لازم‌الاجرا گردید، جرائم بین‌المللی را در باب دوم از ماده ۳۳۲-۳۴۳ مورد جرم‌انگاری قرار داده است. بعد از لازم‌الاجرا شدن این کد، صلاحیت محاکم داخلی در امر رسیدگی به جرائم بین‌المللی محرز می‌گردد و صلاحیت تکمیلی نسبت به دیوان پیدا می‌کند؛ اما قبل از ۱۴ فروری ۲۰۱۸ هیچ قانونی در افغانستان وجود نداشت که به جرم‌انگاری جرائم بین‌المللی پرداخته باشد؛ صرف قانون اجرائات جزایی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۷۲، مرور زمان رسیدگی به جرائم بین‌المللی را از میان برداشته است و نیز ماده ۱۱۳ قانون اجرائات جزایی اقدامات مخفی کشفی را در جرائم مهم قابل تجویز دانسته است؛ از آن جمله جرائم مندرج اساس‌نامه رم را نیز شامل اقدامات مخفی کشفی دانسته است. از این جهت پس از احراز صلاحیت توسط دیوان، وضعیت قابل رسیدگی و پذیرش برای دیوان با آن شرایط که بیان شد نیز می‌باشد.

۵. نحوه ارجاع قضایا به دیوان

در این که به جرائم ماده ۵ اساس‌نامه رم باید چگونه رسیدگی کرد، راه‌های متعدد در اساس‌نامه پیش‌بینی گردیده است.

اول: خود کشور عضو که جرائم بین‌المللی در حوزه صلاحیت وی اتفاق افتاده باشد، از دیوان درخواست رسیدگی کند در آن صورت دیوان می‌تواند به رسیدگی جرائم اقدام کند.

دوم: شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور می‌تواند که قضایا را به دیوان ارجاع دهد. تا حال دو مورد توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع شده است. یک مورد در سال ۲۰۰۵ و مورد دیگر در سال ۲۰۱۱ بود که توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع شد که دیوان به آن قضایا رسیدگی کرد.

سوم: دادستان بر اساس فقره ۳ ماده ۱۵ اساس‌نامه می‌تواند به ابتکار خودش انجام تحقیقات را از شعبه مقدماتی دیوان درخواست نماید. تا هنوز چهار قضیه از مجموع ۱۱ قضیه‌ای که مورد رسیدگی دیوان قرار گرفته است، به ابتکار دادستان به دیوان ارجاع شده است.

در بیستم نوامبر، دادستان درخواستی را برای انجام تحقیقات صادر کرد و خواهان صدور

مجوز از شعبهٔ پیش‌محاكمه (pre trial) دیوان گردید که جرائم بین‌المللی توسط سه گروه صورت گرفته است. این سه گروه عبارت‌اند از: (۱) گروه طالبان و مخالفان ضد دولت که مرتکب رفتار هدفمند کشتار افرادی ملکی و افرادی که با نیروهای امنیتی افغانستان یا نیروهای خارجی همکاری داشته‌اند، گردیده‌اند. (۲) گروه دیگر برای انجام تحقیقات مبنای معقولی را فراهم می‌آورد که نیروهای امنیت ملی افغانستان، به‌خصوص پلیس ملی و امنیت ملی، مرتکب اعمال شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه، مانند خشونت جنسی نسبت به زندانیان مخاصمهٔ مسلحانه، در زندان‌های افغانستان شده‌اند. (۳) سرانجام، مبنای معقولی برای باورمندی به انجام تحقیقات وجود دارد که نیروهای مسلح ایالات متحده و اعضای سیاه مرتکب اعمال شکنجه، خشونت جنسی، رفتار بی‌رحمانه، تعرض به کرامت انسانی و... در مرتبط با زندانیان مخاصمه در افغانستان و سایر قلمروها شده‌اند.

بعد از درخواست دادستان، شعبهٔ پیش‌محاكمه جهت صدور مجوز تحقیقات کامل نسبت به وضعیت افغانستان، در نوامبر ۲۰۱۷، واحد مشارکت و جبران خسارت قربانیان دبیرخانهٔ دیوان را ملزم کردند که در پایان ماه جنوری ۲۰۱۸ اقدام به جمع‌آوری معلومات فردی و جمعی قربانیان کند و هر دو هفته یکبار گزارشی از نظرات ارائه‌شده را به شعبهٔ مقدماتی تحویل کند و برای قربانیان جرائم بین‌المللی در افغانستان فرصت گذاشتند که شکایات و اسناد مورد لزوم دید خویش را از طریق فرمهٔ آنلاین به دیوان ارسال کنند. از زمان صدور مجوز جمع‌آوری معلومات واحد مشارکت و جبران خسارت قربانیان، شش گزارش به شعبهٔ مقدماتی ارسال کرد که اولین گزارش در ۷ دسامبر ۲۰۱۷ ارائه شد که بین مدت ۲۰ نوامبر تا ۱ دسامبر ۲۰۱۷، ۵ فرم به نمایندگی از ۵۱۴ قربانی ثبت شده است که همهٔ آن‌ها موافق اقدام دیوان و انجام تحقیقات بوده‌اند. دومین گزارش در ۲۱ دسامبر ارائه شد که در مدت ۲ الی ۱۸ دسامبر ۹ فرم ثبت شده بود که دو فرم به دلیل نگارش به زبان دری در بخش ترجمه راجع شد و ۷ فرم به نمایندگی از ۱۰۳۱ قربانی ثبت گشته بودند. سومین گزارش در ۱۱ جنوری ۲۰۱۸ ارائه شد که به موجب آن ۲۸ فرم به نمایندگی از ۳۵۰ قربانی ثبت شد که در میان آن‌ها تنها یک خانوادهٔ ۱۴ نفری مخالف آغاز تحقیقات بودند. چهارمین گزارش در ۲۵ جنوری ارائه شد که ۴۶ فرم را ثبت کردند. پنجمین گزارش در تاریخ ۲ فبروری منتشر شد. این گزارش نمایش داد که ۱۳۸ اظهارنامه به نمایندگی از ۵۰۱۳۰۰ قربانی ثبت شده است. ششمین گزارش در ۵ فبروری منتشر شد. به موجب آن،

۱۶۵ اظهارنامه ثبت شده است که به نمایندگی از ۲۱۱۹۲۵ قربانی و ۷۸۷ خانواده بوده است. بر اساس این گزارش‌ها، بیش از ۷۰۰ هزار قربانی به صورت جمعی اظهار نظر کرده‌اند (www.icicl.org). تاریخ مراجعه به سایت ۲۵-۲-۱۳۹۷). در مجموع، از گزارش‌های رسیده به خوبی معلوم می‌شود که قربانیان جنایت در افغانستان خواهان به محاکمه کشاندن و مجازات عاملین جنایات بین‌المللی است که طبق درخواست دادستان، مشمول سه گروه‌اند که عبارت‌اند از: نیروهای ضد دولتی، نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای آمریکایی و اعضای سیا.

مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۸ (۲۰۱۸/۲/۷)، قضات شعبه سوم پیش‌محاکمه، دستوری را صادر کردند که دادستان دیوان جزایی بین‌المللی را به فراهم‌ساختن اطلاعات بیشتر در ارتباط با تقاضای صدور مجوز تحقیقات نسبت به وضعیت افغانستان ملزم می‌سازد. در این دستور، از دادستان درخواست شد که گزارش‌های یوناما، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و گزارش‌های دبیر کل سازمان ملل متحد و هرگونه اطلاعات و توضیحات بیشتر در ارتباط با ساختار و عملیات دولت اسلامی (داعش) و همچنین اطلاعات و توضیحات در مورد ساختار و عملیات نیروهای آمریکایی بعد از سال ۲۰۰۸ میلادی تحویل قضات شود. به موجب این دستور، دادستان باید گزارش‌های علنی را الی تاریخ ۹ فبروری ۲۰۱۸ و اطلاعات مربوط به نیروهای آمریکایی را تا ۱۲ فبروری ۲۰۱۸ به شعبه پیش‌محاکمه تحویل بدهد. قضات از این جهت، از دادستان خواهان درخواست اطلاعات و توضیحات بیشتر کرد که دادستان در مورد داعش اطلاعات کمی را ارائه کرده بود. همچنین، اطلاعات مربوط به نیروهای افغان عمدتاً از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ بوده است و اطلاعات مربوط به نیروهای آمریکایی تا سال ۲۰۰۸ را پوشش داده و در مواردی اندک سال ۲۰۱۱ را نیز پوشش داده بود که سایر سال‌ها در این گزارش دادستان موجود نبود. از این جهت برای توضیحات بیشتر، قضات، خواهان درخواست ارائه معلومات بیشتر توسط دادستان شدند (www.icicl.org) تاریخ مراجعه به سایت ۲۵-۲-۱۳۹۷).

۶. چشم‌انداز دیوان برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی در افغانستان

بعد از تبیین صلاحیت دیوان در مورد رسیدگی به جرائم موضوع ماده ۵ اساس‌نامه رم در قلمرو افغانستان، روشن شد که دیوان- هم از نظر موضوعی، هم از نظر زمانی، هم از نظر مکانی و هم از نظر شخصی- صلاحیت رسیدگی به جرائم بین‌المللی را دارد؛ اما نکته مهم این است

که تا چه حد دیوان می‌تواند در این امر موفق شود. این درخواست دادستان از دیوان و اعلام رسیدگی دیوان به جرائم ارتكابی در افغانستان تا چه حد آینده روشن را با خود دارد و چه قدر می‌توان به این امر خوش‌بین بود؟ و مسئله مهم دیگر این‌که دیوان برای اولین بار حوزه صلاحیتی خود را از قاره آفریقا به قاره آسیا می‌گذارد.

آمارهای تکان‌دهنده کشتار تلفات افراد ملکی و نظامی در افغانستان از سال ۲۰۰۲ تا اکنون (۲۰۱۸)، همیشه انتظار برای اجرای عدالت را داشته است تا به این جرائم رسیدگی شود و عاملین این جنایت محاکمه و مجازات شوند. مبنای درخواست دادستان از دیوان بر اساس بند سوم ماده ۱۵ اساس‌نامه رم است که ادله و اسناد معقولی وجود دارد که دادستان را وادار کرد تا خودش اقدام به انجام تحقیقات مقدماتی کند.

اولین اقدامی که دادستان روی دست گرفت، پا را از حوزه آفریقا فراتر گذاشت و وارد قاره آسیا نیز شد که این خودش یک گام مهم برای اجرای عدالت است. اقدام دادستان در امر تحقیقات مقدماتی و به محاکمه کشاندن عاملین جنایات افغانستان کاملاً یک اقدام نامعلوم است و آینده تاریک را دربردارد. دادستان در مورد دو جنایت، انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به آن را از دیوان درخواست کرد که عبارت‌اند از: جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی که توسط گروه‌های مخالف مسلح دولت انجام شده است که این مورد در درخواست دادستان نیامده است. دادستان درخواست رسیدگی را نه تنها در جرائمی که در افغانستان اتفاق می‌افتد؛ بلکه جرائمی که در خارج افغانستان به وقوع پیوسته اما به یک نحوی مرتبط با جرائم افغانستان است، نیز شامل ساخته است. این امر، چندین سرزمین دیگر، مانند لتوانی، لهستان و رومانی، را نیز درگیر قضیه کرده است.

در مجموع، صلاحیت دیوان برای رسیدگی به جرائم ماده ۵ اساس‌نامه رم احراز شده و آشکار است؛ اما تنها داشتن صلاحیت کافی نیست؛ بلکه قابلیت پذیرش و رسیدگی دیوان نیز باید احراز شود. طبق ماده ۱۷ اساس‌نامه رم، در صورتی که خود دولت قادر یا مایل به رسیدگی نباشد، در آن صورت دیوان صلاحیت رسیدگی دارد. مبنای دادستان در مورد رسیدگی و قابلیت پذیرش وضعیت در افغانستان این است که افغانستان اولاً، جرائم بین‌المللی را تا قبل از نافذشدن کد جزا جرم‌انگاری نکرده است و ثانیاً، توانایی رسیدگی به جرائم بین‌المللی را ندارد. از این جهت است که وضعیت برای دیوان بر علاوه دارا بودن صلاحیت، قابل پذیرش نیز می‌باشد. این‌که دادستان

خود رأساً اقدام به انجام تحقیقات می‌کند، نشانگر این است که دولت عضو تمایل به رسیدگی ندارد. اولین منبع اطلاعاتی دادستان و ضابطین قضایی که می‌خواهند از آن طریق اطلاعات به دست آورند، خود قربانیان‌اند که تا اخیر جنوری ۲۰۱۸ قربانیان جنایت در افغانستان می‌توانستند که به‌صورت اینترنتی فرم شکایت را خانه‌پری کرده و به دادستان شکایات خود را ارجاع دهند. دومین منبع، سازمان‌های ملی و بین‌المللی و نهادهای مردمی‌اند. در نتیجه بعد از بررسی صلاحیت و قابل پذیرش و هم‌چنین طریق‌های اطلاعاتی پیچیدگی قضیه در افغانستان از چند جهت مورد تأمل و بررسی است: اول این‌که بحث آشتی ملی را به هم می‌زند. دوم این‌که در مورد قضیه افغانستان سایر کشورها را نیز درگیر کرده است که این امر خودش به نحوی دادستان را از مسئله افغانستان دور می‌کند. بالاخره چشم‌انداز آمادگی دیوان برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی در قلمرو افغانستان چندان آینده روشن و امیدوارکننده را به دنبال ندارد.

۷. مشکلات و پیچیدگی‌های رسیدگی دیوان در وضعیت افغانستان

۷-۱. پیمان استراتژیک امنیتی افغانستان و آمریکا

بر اساس ماده ۹۸ اساس‌نامه رم، دو کشور می‌توانند که باهم پیمان امنیتی امضا کنند و از جرائم ارتكابی‌شان خود را مصون کنند. این مشکل در مورد نیروهای آمریکایی وجود دارد. مقامات آمریکایی مطابق ماده ۹۸ اساس‌نامه رم می‌توانند که بر اساس قرارداد با کشوری همکاری‌شده، خود را بری‌الذمه کند.

۷-۲. تعویق دادرسی

بر اساس ماده ۱۶ اساس‌نامه، شورای امنیت می‌تواند با تصویب قطع‌نامه‌ای بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، از دیوان بخواهد که تحقیقات و دادرسی را برای مدت ۱۲ ماه به تعویق اندازد. از این ماده استفاده می‌شود که کشورهای عضو دائمی شورای امنیت، نظیر آمریکا، نیز می‌توانند که بالای شورای امنیت فشار آورده و خواهان به تعویق انداختن دادرسی شوند که این امر برای مدت زیاد قابل تمدید و تکرارشدنی است که این وضعیت خودش مانع دادرسی و به محاکمه کشاندن اعضای دائمی شورای امنیت می‌شود.

۷-۳. قانون عفو عمومی و مصالحه ملی افغانستان

در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷)، شورای ملی افغانستان قانون عفو عمومی و مصالحه ملی را تصویب کرد که در آن قانون مشخصاً افراد و گروه‌هایی را که قبل از تشکیل دولت موقت حامد کرزی بین خودها درگیر جنگ و منازعه بودند، تبرئه شده است؛ گویا جنایات احزاب جهادی و گروه‌هایی که در طول ۵ سال دوره مجاهدین بین خودشان جنگ و خصومت داشتند- اما بعد از دولت موقت حامد کرزی با نظام و دولت همکار بودند- نادیده گرفته شده و عاملین این جنایات تبرئه شده‌اند. هم‌چنین، آن گروه‌های مخالف دولت که قانون اساسی افغانستان را پذیرند، نیز مشمول امتیازات قانون عفو عمومی می‌شوند. این امر برای رسیدگی به دیوان مشکل‌ساز است؛ زیرا گروه‌های مخالف مسلح دولت که از بازه زمانی اول می ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۰۸ مرتکب جرائم بین‌المللی شده باشند، در صورت پذیرش قانون اساسی افغانستان و همکاری با دولت، از جرائم ارتكابی‌شان در آن بازه زمانی تبرئه می‌شوند. در ماده اول این قانون، هدف از تصویب آن را تحکیم مصالحه و ثبات ملی، تأمین مصالح علیای کشور، ختم خصومت‌ها و ایجاد اطمینان برای همه طرف‌های درگیر مبنی بر مصونیت آنان در صورت پابندی به قانون اساسی و قوانین نافذ کشور دانسته‌اند. در صورتی که طرف‌های درگیر در طول چندین سال درگیری، مرتکب جنایات شنیع بین‌المللی شده باشند که از آن جمله می‌توان به جرائم جنگی، جرائم ضد بشریت و بعضاً جرائم نسل‌کشی نیز اشاره کرد، طبق ماده اول قانون مصالحه ملی در صورت پذیرش قانون اساسی، مورد پیگرد و تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرند. در ماده ۳ فقره ۱ قانون مذکور آمده است که هدف از تصویب این قانون بیش‌تر عفو گروه‌های جهادی است که قبل از حکومت موقت و انتقالی حامد کرزی بین خودها درگیر جنگ بودند؛ اما بعد از تشکیل حکومت موقت سلاح بر زمین گذاشته و برای پیشبرد امور حکومت در کنار همدیگر دست به کار شده‌اند. در کنار این مصونیت سران جهادی، طرف‌های درگیر که عبارت از نیروهای مخالف دولت باشند نیز در صورت پذیرفتن قانون اساسی و سایر قوانین نافذ کشور، از حق مصونیت برخوردار می‌شوند و به جرائم ارتكابی آنان رسیدگی صورت نمی‌گیرد که این خودش نقض اساس‌نامه رم است. در فقره ۲ ماده ۳ که مشخصاً منظور قانون نیروهای مسلح مخالف دولت یعنی طالبان است که تا هنوز در مخالفت مسلحانه با دولت قرار داشته‌اند، اما بعد از انفاذ این قانون به روند مصالحه مالی بپیوندند، از مزایای قانون مذکور مستفید می‌شوند. در این فقره، مشکل عمده‌ای که وجود

دارد، این است که صلاحیت دیوان جزایی بین الملل در مورد جرائم بین المللی که در افغانستان اتفاق افتاده است، از اول می ۲۰۰۳ را شامل می شود؛ اما گروه های مخالف مسلح دولت که از اول می ۲۰۰۳ تا انفاذ قانون مصالحه ملی که در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) نافذ شد، در این بازه زمانی یعنی به مدت ۵ سال هر نوع اعمال ضد بشری و ضد انسانی را که مرتکب شده و محاکمه نشده باشند در صورتی که قانون اساسی و قوانین نافذ کشور را بپذیرند و دست از مخاصمه بردارند، قانون مصالحه ملی شامل آن ها نیز می شوند که این در حقیقت نادیده گرفتن ۵ سال جنایت هایی است که توسط نیروهای مسلح مخالف دولت در این بازه زمانی اتفاق افتاده است که از مهم ترین چالش در سر راه دیوان، همین فقره ۲ ماده ۳ قانون مصالحه ملی است.

البته یک جای خوشحالی وجود دارد و آن این که ماده ۴ همین قانون، اشخاصی را از مزایای این قانون مستثنا کرده است که آن ها به ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور تحت تعقیب عدلی قرار داشته باشند؛ اما مشکل بازهم در این مورد دیده می شود؛ زیرا دولت افغانستان تا هنوز نتوانسته است گروه های مسلح مخالف دولت را تحت تعقیب عدلی قرار بدهد. در این مورد، درخواست دادستان از شعبه مقدماتی جهت انجام تحقیقات نیز قابل تأمل است که در درخواست ذکر شده است که از اعضای طالبان و گروه های مخالف دولت تا هنوز هیچ تحقیق یا تعقیبی در سطح ملی انجام نشده است و هیچ نوع تحقیق و تعقیبی از طرف دولت افغانستان در حال انجام نیز نمی باشد (برگرفته از سایت www.icicl.org خلاصه ترجمه درخواست دادستان). از این جهت، بازهم قانون مصالحه ملی شامل مخالفین مسلح دولت می شود.

۴-۷. نداشتن قوه اجرایی جهت انجام اوامر دیوان

دیوان با وجود این که باید تحقیقات را شروع کند و اشخاص جنایت کار را مورد محاکمه قرار دهد؛ اما دستگیری و اجرای مجازات آن ها نیازمند به قوه اجرایی می باشد که دیوان فاقد آن است. دیوان در صورتی موفق به اجرای تصمیمات خود می شود که کشورهای عضو با دیوان در این زمینه همکاری کنند اگر نه تصمیمات دیوان قابل اجرا نمی باشد.

بالاخره، بعد از بررسی مشکلات و پیچیدگی های رسیدگی دیوان در وضعیت افغانستان، یک نکته مثبت و قابل توجه دیده می شود که هرگاه تحقیقات دادستان و دیوان منجر به اجرای عدالت هم نشود، همین که این اقدام ها در روی کاغذ هم بماند، خوب است و یک نوع واهمه و ترس

را ایجاد می‌کند و اشخاص و کشورها را وادار می‌کند که متوجه اعمال و رفتارهای خود باشند؛ زیرا ممکن است روزی مورد محاکمه و مجازات توسط دیوان قرار بگیرند.

نتیجه‌گیری

بررسی چشم‌انداز دیوان در مورد رسیدگی به جرائم بین‌المللی در افغانستان، این امر را به اثبات می‌رساند که نقش دیوان بیش‌تر مربوط به جنبه پیش‌گیرانه آن خلاصه می‌شود و آن این‌که کشورها می‌فهمند که یک نهادی وجود دارد که به جرائم سران رسیدگی می‌کند. این خودش ترس و واکنش ایجاد می‌کند و این مهم‌تر از این است که دیوان بخواهد چندین قضیه را به صورت عملی رسیدگی کند و ما نیز نباید این انتظار را از دیوان نداشته باشیم. همین‌که دیوان به دنبال و تعقیب سران کشورها باشد و مصونیت سران کشورها مانع از محاکمه آن‌ها نشود، این امر مهم است. رسیدگی دیوان در قضیه افغانستان دچار مشکلات خاص خودش است که بیان شد؛ اما از آن‌جایی که نقش دیوان جنبه پیش‌گیرانه دارد و همین‌که دولت‌ها از دیوان هراس و نگرانی داشته باشند که نکند روزی توسط دیوان محاکمه و مجازات گردند، این نیز کافی است.

در نتیجه، درخواست دادستان جهت انجام تحقیقات و هم‌چنین رسیدگی دیوان به جرائم بین‌المللی فقط شامل رسیدگی به جرائم نیروهای امنیت ملی افغانستان که در ارتباط با شکنجه و بدرفتاری نیروهای امنیت ملی و هم‌چنین شامل رسیدگی به جرائم جنگی ارتكابی آن‌ها می‌شوند که فعلاً در دسترس می‌باشند. در مورد دو گروه دیگر که یکی از آن دو عبارت از نیروهای آمریکایی باشد، بر اساس ماده ۹۸ اساس‌نامه رم، چون آمریکا با دولت افغانستان پیمان استراتژیک امضا کرده است؛ بنابراین، این امر مانع رسیدگی دیوان به جرائم این نیروها می‌شود. هم‌چنین، بر اساس ماده ۱۶ اساس‌نامه رم، آمریکا می‌تواند که از طریق شورای امنیت با تصویب قطع‌نامه‌ای خواهان تعویق دادرسی نیروهایش شود که این تعویق ۱۲ ماه می‌باشد و می‌تواند که الی‌الابد قابل تمدید باشد که مانع رسیدگی به جنایات نیروهای آمریکایی توسط دیوان شود. گروه دوم که عبارت از نیروهای مسلح مخالف دولت افغانستان باشد، به دلیل عدم دسترسی به آن‌ها و هم‌چنین در صورت پذیرفتن قانون اساسی توسط آن‌ها، مشمول قانون عفو عمومی و مصالحه ملی می‌شوند که این امر نیز خودش مانع محاکمه و مجازات نیروهای مخالف دولت افغانستان توسط دیوان می‌شود. بالاخره چشم‌انداز آمادگی دیوان در رسیدگی به جرائم بین‌المللی در مورد

وضعیت افغانستان با یک آینده مبهم و تاریک روبه‌رو است و ترس این وجود دارد که در این مسئله عدالت قربانی سیاست شود.

در اخیر، پیشنهاد می‌شود که اگر برای محاکمه کشاندن مجرمین بین‌المللی در افغانستان محکمه مختلط تشکیل گردد، مؤثریت بیش‌تر از دیوان جزایی بین‌الملل در قبال مجرمین به دنبال خواهد داشت. نمونه‌های مؤثر محاکم مختلط در دنیا تجربه شده و کارآمد بوده است. کارآمدی محاکم مختلط از این جهت است که نیروی اجرایی و تطبیق‌کننده فیصله محاکم مختلط توسط نیروهای داخلی کشور انجام می‌شود. از این جهت، فیصله‌های محاکم مختلط عملی‌شدن‌شان بیش‌تر از اجرایی‌شدن فیصله دیوان می‌باشد.

در مجموع، خوش‌بینی که وجود دارد، این است که حداقل اقدام دادستان برای درخواست انجام تحقیقات مقدماتی و اقدام دیوان برای تعقیب و محاکمه مرتکبین جرائم بین‌المللی، ایجاد ترس و هراس برای آن‌هایی است که تا هنوز مرتکب جرم نشده‌اند و می‌خواهند که در آینده مرتکب جرم شوند.

منابع

۱. ابراهیمی، سید نصرالله، «درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساس‌نامه آن»، مجله حقوقی، شماره ۲۳، بی‌تا، برگرفته از سایت www.ensani.ir.
۲. اساس‌نامه محکمه جزایی بین‌الملل، مصوب ۱۹۹۸.
۳. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۰)، حقوق جزایی بین‌الملل، تهران، نشر جنگل.
۴. سلیمی، صادق (۱۳۷۶)، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری بین‌المللی در حقوق بین‌المللی و حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات خیام.
۵. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۸)، حقوق کیفری بین‌المللی، تهران، نشر جنگل، چاپ نهم.
۶. مهرا، نسرین و نوروز کارگری (۱۳۹۰)، «صلاحیت کیفری بین‌المللی: مروری بر صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی»، حقوق کیفری بین‌المللی فرایند، نظریه‌ها و چشم‌اندازها، مجموعه مقالات، تهران، نشر میزان.
۷. میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران، نشر دادگستر، چاپ ششم.
8. www.icicl.org